



## ۷ گفتار

# از امام هادی

عبدالکریم تبریزی

### طلیحه

حضرت امام علی النقی علیه السلام در نیمه دوم ماه ذی الحجه، سال ۲۱۲ ق در اطراف مدینه و در منطقه «صربا» چشم به جهان گشود. پدر گرامی اش حضرت جواد علیه السلام و مادر ارجمندش سمانه مغربیه از بانوان بافضیلت تاریخ می باشد. مشهورترین القاب آن گرامی نجیب، مرتضی، هادی، نقی، عالم، فقیه، امین، مؤتمن، طیب، متوکل و عسکری است و در برخی منابع «ابوالحسن الثالث» و «فقیه عسکری» نیز گفته اند.

آن بزرگوار در سال ۲۲۰ و در

هشت سالگی به مقام خطیر امامت نائل گردید و به مدت ۳۳ سال رهبری اهل ایمان را عهده دار بود. امام هادی علیه السلام دوران امامت خویش را با خلفاء ستمگر عباسی همچون معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز سپری کرد.

به مناسبت ولادت آن رهبر والای شیعیان جهان به فرازهایی از گفتارهای هدایتگرش گوش جان می سپاریم.

### عظمت باری تعالی

شناخت وجود خداوند و اوصاف جلال و جمال باری تعالی در حد شایستگی هر انسانی، به غیر از طریق

چگونه نیست. مکان را آفرید، ولی خود مکانی ندارد و از چگونگی و مکان داشتن جداست. یگانه است و بی همتا. بسا شکوه است و نامها و اسمائش همه مقدس اند و پاک.»

سعدی در بوستان در توضیح این معنا سروده است:

جهان مستفق بر الهیتش

فرو مانده از کنه ماهیتش

نه ادراک بر کنه ذاتش رسد

نه فکر به غور صفاتش رسد

بشر ماورای جلالش نیافت

بصر منتهای جمالش نیافت

نه هر جای مرکب توان تاختن

که جاها سپر باید انداختن

نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم

نه در ذیل وصفش رسد دست فهم

در این بحر جز مرد داعی نرفت

گمان شد که دنبال راعی نرفت

چه شبها نشستم در این سیر گم

که دهشت گرفت آستینم که قم

شکوه بندگی

از منظر فرهنگ متعالی توحید،

اهل بیت علیهم السلام امری ناممکن است؛ گرچه هر کسی نسبت به فراخور استعدادش خداوند را می شناسد و به او ایمان می آورد؛ اما بیان عظمت حق از زبان اهل بیت علیهم السلام جلوه ای دیگر دارد و آنان کامل ترین و مطمئن ترین منبع وحی و سرچشمه توحیدند. امام هادی علیه السلام در تبیین صفات خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُوصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسُهُ وَأَنَّى يُوصَفُ الَّذِي تَعَجَّرُ الْخَوَاشِ أَنْ تُدْرِكَهُ وَالْأَوْهَامُ أَنْ تَنَالَهُ وَالْخَطَرَاتُ أَنْ تَحُدَّهُ وَالْأَبْصَارُ عَنِ الْإِحْاطَةِ بِهِ نَأَى فِي قُرْبِهِ وَقُرْبَ فِي نَأْيِهِ كَيْفَ الْكَيْفِ بِغَيْرِ أَنْ يُقَالَ كَيْفَ وَأَيْنَ الْأَيْنِ بَلَا أَنْ يُقَالَ أَيْنَ هُوَ مُنْقَطِعُ الْكَيْفِيَّةِ وَالْأَيْنِيَّةِ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ»<sup>۱</sup> خداوند متعال توصیف نشود، جز بدانچه خود وصف کرده است و چگونه توصیف می شود آن وجودی که حواس مخلوقات از درکش ناتوان است و اوهام و خیالات به آن نمی رسند و تصور و اندیشه ها به حقیقتش آگاه نمی گردند و در افق نگاه چشمها ننگند! او با همه نزدیکی دور است و با همه دوری اش نزدیک. چگونگی را پدید آورد و خودش

۱. تحف العقول، ص ۴۸۲؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۳۸.

می فرمود: «إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَكَفَى بِي فُخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ»<sup>۲</sup> پروردگارا! این عزت برای من بس است که بنده تو باشم و بالاتر از آن مقامی برای من آن است که تو پروردگار من باشی. تو همان گونه‌ای که دوست دارم. پس مرا آن طوری که دوست داری، قرار ده!»

#### ریشه‌ها و نتایج تکبر

در سیره تربیتی امام هادی علیه السلام برای تربیت نفوس و زدودن صفات ناپسند از وجود آدمی به زمینه‌ها و ریشه‌های خودپسندی اشاره شده است. آن حضرت می فرماید: «مَنْ آمَنَ مَكْرَ اللَّهِ وَ أَلِيمَ أَخْذِهِ تَكَبَّرَ حَتَّى يَجْلِبَ بِهِ قَصَاؤُهُ وَ نَافِدَ أَمْرُهُ وَ مَنْ كَانَ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ هَانَتْ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ لَوْ قَرِضَ وَ نُثِرَ»<sup>۳</sup> هر کس از مکر و مؤاخذه دردناک خداوند، خود را در امان احساس کند، تکبر می ورزد تا اینکه با قضا و تقدیر خداوند مواجه گردد؛ اما انسانی که بر دلیل روشنی از پروردگارش دست

عبودیت و بندگی حضرت حق تعالی است که بالاتر از آن مقامی برای مخلوق متصور نیست: بلندی بابت افکندگی کن

خدا را باش و کار بندگی کن  
امام دهم علیه السلام در تبیین مقام بندگی می فرماید:

«مَنْ أَتَى اللَّهَ بِتَقَى وَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ وَ مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ وَ مَنْ أَسَخَطَ الْخَالِقَ فَلْيَتَّقِنِ أَنْ يَجْلِبَ بِهِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ»<sup>۱</sup> هر که از نافرمانی خدا پرهیزد، [مردم] از نافرمانی او پرهیز کنند و هر کس خدا را اطاعت کند، [دیگران] از او اطاعت می کنند و کسی که از دستورات خالق فرمان برد، هیچ باکی از خشم مخلوقین نخواهد داشت و هر کس خالق را به خشم آورد، او باید بداند که از خشم مردم در امان نخواهد بود.»

گرت این بندگی تمام شود

چرخ و انجم ترا غلام شود

مقام عبودیت و بندگی آن چنان اهمیت دارد که امیر مؤمنان علی علیه السلام در این زمینه به بندگی خود در برابر خداوند متعال افتخار می کرد و

۱. تحف العقول، ص ۴۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۲.

۳. تحف العقول، ص ۴۸۳.

یافته است، مصیبت‌های دنیا بر او سخت نخواهد بود؛ گرچه قطعه قطعه شده و [اجزاء بدنش] پراکنده شود.»

طبق این رهنمود ارزشمند، هر شخصی در راه رسیدن به تکامل و مقام والای انسانیت لازم است که هرگز از وجود خداوند متعال و محاسبه و مؤاخذه‌اش غفلت نکند. غفلت از انواع خداوند و روز معاد، انسان را به انواع مفساد دچار می‌کند و در حقیقت از خدا فراموشی به خود فراموشی تنزل یافته، هدف خود را در زندگی گم می‌کند. چنین فرد غافل از خود هرگز نمی‌پرسد که:

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود

به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

اما اگر انسان خود را در پرتو نور الهی قرار دهد و از نسیم رحمت حق بهره‌ور گردد، هرگز در مقابل حوادث و مصائب دنیوی مغلوب نمی‌گردد؛ چراکه به پشتوانه‌ای قوی همچون نیروی حق تکیه زده و در حصار محکم پناه گرفته است.

بنابراین، ریشه مهم لغزشها، خطاها و آلوده شدن به صفات ناپسند،

همان غفلت از خداوند و خود فراموشی است که اشخاص را از رسیدن به اهداف والای انسانی باز می‌دارد.

امام دهم علیه السلام در روایتی دیگر به عواقب زیانبار صفت ناپسند تکبر اشاره کرده و در این مورد هشدار داده و فرموده است: «مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخَطُونَ عَلَيْهِ؛<sup>۱</sup> هر کس از خود راضی باشد، غضب کنندگان بر او بسیار خواهند شد.»

صفت تکبر انسان را نه تنها در معرض خشم مردم، بلکه مورد غضب خداوند نیز قرار می‌دهد که در قرآن فرمود: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ»؛<sup>۲</sup> «خداوند گردنکشان [و متکبران] را دوست ندارد.»

عذاب جهنم و محرومیت از الطاف الهی از دیگر رهاوردهای تکبر است.

خویشتن را بزرگ می‌بینی؟

راست گفتند یک دو بیند لوچ

در روایت آمده است که روزی

۱. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۱۶.

۲. نحل / ۲۳.

چرا که بدون آگاهی هیچ رهروی به مقصد نرسد.

آن رهبر فرزانه در گفتاری ارزشمند می فرماید: «إِنَّ الْعَالِمَ وَالْمُتَعَلِّمَ شَرِيكَانِ فِي الرُّشْدِ؛<sup>۱</sup> دانشمند و دانشجو هر دو در رشد و هدایت شریک‌اند.» اگر علماء و متفکران جامعه تلاش نکنند و عموم مردم نیز به دنبال آموزش نباشند، سطح افکار مردم رشد نمی‌یابد و پیشرفت صورت نمی‌گیرد. شرف و قیمت و قدر تو به فضل هنر و است نه به دیدار و به دینار و به سود و به زیان اساساً برای تهذیب نفس و پیمودن راه کمال، علماء اخلاق، معرفت و کسب آگاهی را از عوامل مؤثر در روح و روان آدمی می‌دانند. آری، دانش انسان را به خطرات راه آگاه می‌کند و عظمت و عزت خداوندی را به یاد می‌آورد و انسان شایسته هر قدر علم و دانشش بالاتر باشد، تواضع و صفات حمیده در وجودش بیشتر شکوفا می‌گردد. انسان کمال خواه با

حضرت سلیمان بن داود علیه السلام امر کرد که تمام پرنندگان و انس و جن به همراه او بیرون آمده، در بساط شگفت انگیز سلیمان علیه السلام جای گیرند. دویست هزار نفر از بنی آدم و دویست هزار نفر از جنیان با او بودند. بساط او به قدری بلند شد که صدای تسبیح ملائکه را در آسمانها شنید. سپس بساط او آن قدر پایین آمد که کف پایش به دریا رسید. در آن حال، ندایی آسمانی به اصحاب سلیمان علیه السلام گفت: اگر در دل فرمانروای شما (سلیمان علیه السلام) ذره‌ای تکبر بود، بیشتر از آنچه بلند کرده‌اند، او را به زمین فرو می‌بردند.<sup>۱</sup>

ز خاک آفریدت خداوند پاک

پس ای بنده افتادگی کن چو خاک  
تواضع سر رفعت افرازدت

تکبر به خاک اندر اندازدت

### ارزش علم و دانش

کسب علم و دانش از مهم‌ترین شیوه‌های رسیدن به قله کمال است و انسان بدون علم ره به جایی نمی‌برد. امام دهم علیه السلام بر این باور بود که برای نیل به مقاصد عالی انسانی لازم است که افراد به دنبال دانش و معرفت باشند؛

۱. معراج السعاده، ص ۲۷۰؛ محجة البیضاء، ج ۶، ص ۲۱۳.

۲. کشف الغممه، ج ۲، ص ۲۸۶.

فَيَسْتَجِيبُ لِمَنْ دَعَاهُ وَالْحَيْرُ مِنْهَا؛<sup>۱</sup> خداوند مکانهای مقدسی دارد که دعا در آن جاها را دوست می‌دارد. پس هر کس در آن مکانها او را بخواند، اجابتش می‌کند و حائر حسینی علیه السلام یکی از آنهاست.»

در این سخن، پیشوای دهم نکات مهمی را مورد توجه قرار داده و به مشتاقان فرهنگ اهل بیت علیهم السلام گوشزد کرده است: نخست به ارزش این مکانهای شریف پرداخته و آنها را بقعه‌های خدایی نامیده، سپس اهمیت دعا و استجاب آن را در این مکانها مورد تأکید قرار داده و در آخر، مزار دلربای حضرت سید الشهداء علیه السلام، را از مصادیق بارز بقاع الهی و محل استجاب دعای بندگان شمرده است.

امام هادی علیه السلام در کلام دیگری عظمت بارگاه امام حسین علیه السلام را این گونه بیان می‌کند: «هر کس از منزل خود به قصد زیارت بارگاه حضرت حسین علیه السلام حرکت کند و به نزد فرات

معرفت به ناتوانی و مقام پایین خود و اطلاع از عظمت حق و شکوه و جلال کبریایی اش در راه رشد و تهذیب گام برمی‌دارد.

امام هادی علیه السلام ارزش دانشمندان را بالاتر از خود علم و دانش می‌دانست و می‌فرمود: «أَزْجَعُ مِنَ الْعِلْمِ حَامِلُهُ؛<sup>۱</sup> دانشمند از دانش برتر است.» البته علم و دانش بعد از غلبه صفات زشت و فساد افراد تأثیرگذاری اندکی دارد؛ چنان که حضرت علی النقی علیه السلام فرمود: «الْحِكْمَةُ لَا تَنْجَعُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ؛<sup>۲</sup> حکمت در طبیعتهای فاسد سودی نمی‌بخشد.»

### موقعیت ممتاز مکانهای مقدس

در بینش توحیدی اسلام، انسان هر لحظه و در هر زمان و مکان در محضر خداست؛ اما خداوند متعال برای تقرب بیشتر بندگان و برای آسایش و آرامش آنان، زمانها و مکانهایی را معین کرده است که ویژگی خاصی دارند. امام علی النقی علیه السلام با اشاره به موقعیت ممتاز اماکن مقدس فرمود:

«إِنَّ لِسَلَّةٍ بَقَاعًا يُجِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا

۱. اعلام الدین، ص ۳۱۱.

۲. همان.

۳. تحف العقول، ص ۴۸۲.

شده بود. به این خاطر، با ناراحتی تمام در حضور آن گرامی گفتم: عجب روز شومی برایم بود! خدا شَرّ این روز را از من باز دارد! امام هادی علیه السلام فرمود: «يَا حَسَنُ هَذَا وَ أَنْتَ تَفْشَانَا تَزِي بِذَنْبِكَ مَنْ لَكَ ذَنْبٌ لَهُ؛ ای حسن! این [چه سخنی است که می‌گویی] با اینکه تو با ما هستی، گناهت را به گردن بی‌گناهی می‌اندازی! [روزگار چه گناهی دارد!]»

حسن بن مسعود می‌گوید: با شنیدن سخن امام علیه السلام به خود آمدم و به اشتباهم پی بردم. گفتم: آقای من! اشتباه کردم و از خداوند طلب بخشش دارم. امام فرمود: ای حسن! روزها چه گناهی دارند که شما هر وقت به خاطر خطاها و اعمال نادرست خود مجازات می‌شوید، به ایام بدبین می‌شوید و به روز بد و بیراه می‌گویید! حسن گفت: ای پسر رسول خدا!، برای همیشه توبه می‌کنم و دیگر عکس العمل رفتارهایم را به روزگار نسبت نمی‌دهم. امام در ادامه فرمود: «يَا حَسَنُ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُثِيبُ وَ الْمُعَاقِبُ وَ الْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلًا وَ آجَلًا؛

برسد و در آنجا غسل کند، از رستگاران نوشته می‌شود و هر گاه به امام حسین علیه السلام سلام کند، از سعادت‌مندان محسوب می‌گردد و اگر از نماز زیارت فارغ شد، فرشته‌ای از سوی خداوند متعال به او می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: تمام گناهانت بخشوده شد، اعمال را از نو شروع کن!»<sup>۱</sup>

### روزگار ناسازگار

گاهی این نکته به ذهن می‌آید که آیا واقعاً برخی زمانها، مکانها و یا عوامل و حوادث طبیعی در زندگی انسان دخالت دارند؟ آیا بدی و خوبی و شوم بودن را می‌توان به روزها و روزگاران نسبت داد؟ امام هادی علیه السلام پاسخ این پرسش را به یکی از یارانش توضیح داد.

حسن به مسعود می‌گوید: به محضر مولایم حضرت ابوالحسن الهادی علیه السلام رسیدم. در آن روز چند حادثه ناگوار و تلخ برایم رخ داده بود؛ انگشتم زخمی شده و شانهام در اثر تصادف با اسب سواری صدمه دیده و در یک نزاع غیر مترقبه لباسهایم پاره

۱. کامل الزیارات، ص ۳۴۴.

مخالفتش افزایش می‌یابند؛ در حالی که دوستان خوب بازوی نیرومندی در زندگی افراد به شمار می‌آیند. لقمان حکیم به فرزندش سفارش می‌کرد که: «يَا بَنِيَّ اتَّخِذْ أَلْفَ صَدِيقٍ وَأَلْفَ قَلِيلٍ وَلَا تَتَّخِذْ عَدُوًّا وَاحِدًا وَالْوَالِدُ كَثِيرٌ»<sup>۱</sup> فرزندم هزار دوست بگیر و البته هزار کم است و یک دشمن برای خودت درست نکن که یکی هم زیاد است.»

بنابراین، برای رسیدن به سعادت و توفیق در زندگی، انسان باید از دوستان خوب محافظت کند و با اختلاف کوچک و جزئی و لغزشهای ساده نباید آنان را از دست بدهد، بلکه شیوه اهل بیت علیهم‌السلام را در نظر بگیرد و از گناهانشان بگذرد. اگر عذر خواهی کردند، بپذیرد و عفو و گذشت پیشه کند.

سعدی گفته:

با مردم سهل‌گوی دشوار مگوی  
با آن که در صلح زند جنگ مجوی

ای حسن! به طور یقین خداوند متعال پاداش می‌دهد و عقاب می‌کند و در مقابل رفتارها در دنیا و آخرت مجازات می‌کند.»<sup>۱</sup>

### شیوه حفظ دوستان

از منظر امام دهم علیه‌السلام یکی از ویژگیهای اولیاء خدا و انسانهای صالح عفو و گذشت و پذیرش عذر دیگران است. ایوب بن نوح می‌گوید: آن حضرت طی نامه‌ای به یکی از یاران ما که موجب ناراحتی شخصی شده بود، توصیه کرد که برو از فلانی عذر خواهی کن و بگو: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا إِذَا عُوْتِبَ قَبْلَ»<sup>۲</sup> اگر خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، [او را حالتی عطا می‌کند که] هرگاه از او عذر خواسته شد، می‌پذیرد.» تو نیز عذر ما را بپذیر! برای پاسداری از حریم دوستان نیک نباید در باره آنان سخت‌گیری کرد، بلکه باید در موارد لغزش و خطایشان عفو و گذشت پیشه کرد و عذرشان را پذیرفت؛ زیرا اگر به بهانه‌های ساده، انسان دوستان خود را طرد کند و از خود دور سازد، به مرور زمان غریب و تنها خواهد ماند و

۱. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶.